

Mina is moving to Mashhad.	مینا داره به مشهد نقل مکان میکنه
I moved to Abadan last week.	هفته قبل به آبادان نقل مکان کردم
The forks are in the drawer.	چنگال ها تو کشو اند
The top drawer	کشو بالایی
The bottom drawer	کشو پایینی
It was last year that I moved to Shiraz.	پارسال بود که به شیراز نقل مکان کردم
I was in Iran last week.	من هفته پیش ایران بودم
The name of the company is Microsoft.	اسم شرکت مایکروسافته
Ali wasn't at the library yesterday.	علی دیروز در کتابخونه نبود
I like the color of your shirt.	از رنگ پیرهننت خوشم میاد

How much money do you have?	چقدر پول داری؟
I have fifteen dollars. And you?	پانزده دلار دارم، تو چطور؟
I only have ten dollars.	من فقط ده دلار دارم
I have less money than you.	من کمتر از تو پول دارم
Is this your parents car?	آیا این ماشین والدینته؟
Yes, this is their car.	آره، این ماشین اوناست
How much did they buy it?	چند خریدنش؟
They bought it for nine thousand dollars.	نه هزار دلار خریدنش
That's cheaper than my car.	اون از ماشین من ارزونتره
That's less expensive than my car.	اون از ماشین من کمتر گرونتره
Cheaper than my car	
What's your plan for Saturday night?	برنامهت واسه شنبه شب چیه؟
We're going to Canada on Saturday.	روز شنبه داریم میریم کانادا
Are your children going with you?	آیا بچه هاتون با شما میرن؟
No, we're going without them.	نه، بدون اونا داریم میریم
And without any money	و بدون هیچ پولی
Then you can't buy anything.	پس هیچی نمیتونی بخری
We can take the bus.	میتونیم اتوبوس سوار شیم (بگیریم)
Instead of walking	به جای پیاده روی
We're going to go to Ramsar instead of Tehran.	خیال داریم بریم رامسر به جای تهران
We're going there instead.	داریم به جاش میریم اونجا

My car's older than yours.
My car is older than yours.

ماشینم از مال تو قدیمی تره

I haven't seen your daughter since last year.
She's in Yazd right now.
She's moving to Mashhad.

دخترتو از پارسال ندیدم (ندیده ام)
الانته در یزد
اون داره به مشهد نقل مکان میکنه

My cousin's moving to Munich.
My cousin is moving to Munich.

پسر عمم داره به مونیخ نقل مکان میکنه

When are you planning to move to Vancouver?
I'm not going to move to Vancouver.

کی برنامه داری به ونکور نقل مکان کنی؟
من خیال ندارم به ونکور نقل مکان کنم

My relatives live here.
My mother lives here, too.

اقوامم اینجا زندگی میکنن
مادرم هم اینجا زندگی میکنه

Do you still live in Tehran?
No, I moved to Abadan.
I moved to Abadan.

آیا هنوزم تهران زندگی میکنی؟
نه، من به آبادان نقل مکان کردم
من به آبادان نقل مکان کردم

I haven't seen Ali since last year.
I haven't seen him since last year.

علی رو از پارسال ندیدم

Where is he?
He moved to Holland.

کجاست؟
اون به هلند نقل مکان کرد

When did he move there?
He moved there last week.

کی به اونجا نقل مکان کرد؟
هفته گذشته به اونجا نقل مکان کرد

I like your house.
It's old but it's beautiful.

از خونت خوشم میاد
قدیمه ولی قشنگه

Are you moving to a new house?
Yes, I am.
But I'm used to this house.

آیا داری به یه خونه جدید نقل مکان میکنی؟
جواب مثبت کوتاه
ولی به این خونه عادت دارم

مکالمه

سلام سارا. اوضاع چطوره؟

A: Hi, Sarah. How is it going?

بد نیستم. من واسه یه چند روزی رفتم تایلند، و عادت ندارم به مسافرت.

B: Not bad. I went to Thailand for a few days, and I'm not used to traveling.

با خانواده رفتی تایلند؟

A: Did you go to Thailand with your family?

نه، این دفعه رو بدون اونها رفتم. من میخواستم برم ژاپن، اما به جاش رفتم تایلند.

B: No, I went without them this time. I wanted to go to Japan, but I went to Thailand instead.

ژاپن یه چند تا کتابخونه قدیمی داره. من یه چندبار اونجا بودم.

A: Japan has a few old libraries. I've been there a few times.

شاید بتونم دفعه دیگه به جای تایلند برم ژاپن.

B: Maybe I can go to Japan instead of Thailand next time.

فکر میکنم خیال داریم نقل مکان کنیم به ژاپن.

A: I think we're going to move to Japan.

پسرخاله پارسال نقل مکان کرد، و میخواد دوباره نقل مکان کنه این بار به ژاپن.

B: My cousin moved to last year, and he wants to move again this time to Japan.

اوکی. مراقب باش.

A: Okay. Take care.

بای.

B: Goodbye.

I'd like to eat a piece of cake.

میل دارم یه تیکه کیک بخورم

Where are the forks?

تو آشپرخونن

They're in the kitchen.

نمیتونم پیدااشون کنم

I can't find them.

They're in the drawer.

تو کشواند

Which drawer?

کدوم کشو؟

In the top drawer

تو کشو بالایی

The forks are in the top drawer.

چنگال ها توی کشو بالایی اند

I can't find them. They're still in the top drawer.	نمیتونم پیدا شون کنم هنوزم تو کشو بالایی اند
Where are the knives? They're in the bottom drawer. The knives are in the bottom drawer.	چاقوها کجان؟ تو کشو پایینی اند چاقوها تو کشو پایین اند
Where are the glasses? Are they in the top drawer? Or are they in the bottom drawer?	لیوان ها کجان؟ آیا تو کشو بالایی اند؟ یا آیا تو کشو پایین اند؟
They're not in the drawers. I moved them.	تو کشوها نیستن جاشونو عوض کردم (حرکتشون دادم)
Did you find my wallet? Yes, it was in the drawer. It was in the drawer.	آیا کیف پولمو پیدا کردی؟ آره، تو کشو بود تو کشو بود
Ali is here. Ali was here.	علی اینجاست علی اینجا بود
No, I saw him in New York. He was there.	نه، من تو نیویورک دیدمش اونجا بود
I'm in London right now. But last year I was in Tehran.	من الانه تو لندنم ولی پارسال تهران بودم
Do you really work on Sundays? Yes, I do.	تو واقعاً یکشنبه ها کار میکنی؟ جواب مثبت کوتاه
I'm used to it.	بیش عادت دارم
Do you like your new car? Yes, I like it.	از ماشین جدیدت خوشت میاد؟ آره، ازش خوشم میاد
But I'm not used to it yet.	ولی هنوزم بیش عادت ندارم
I was at Shadi's house yesterday. I'm very tired.	دیروز خونه شادی بودم خیلی خسته ام
Did you go to the movies yesterday? No, I didn't. Why not? Because I was very tired.	آیا دیروز رفتی سینما؟ جواب منفی کوتاه چرا نه؟ چون خیلی خسته بودم
I'm not used to working a lot.	عادت ندارم زیاد کار کنم

When did you move to Shiraz? I think it was last year. I moved to Shiraz.	کی به شیراز نقل مکان کردی؟ فکر میکنم پارسال بود به شیراز نقل مکان کردم
It was last year that I moved to Shiraz. It was last year I moved to Shiraz.	پارسال بود که به شیراز نقل مکان کردم پارسال بود که به شیراز نقل مکان کردم
Can you tell Ali? That I can't come today.	آیا میتونی به علی بگی؟ که من امروز نمیتونم بیام
Can you tell Ali that I can't come today? Can you tell Ali I can't come today? Of course	آیا میتونی به علی بگی که من امروز نمیتونم بیام؟ آیا میتونی به علی بگی که من امروز نمیتونم بیام؟ البته
I moved here last year. I want to buy that red car.	پارسال به اینجا نقل مکان کردم میخواهم اون ماشین قرمز رو بخرم
Buy the yellow one instead. Buy the yellow one instead of the red one.	زرده رو به جاش بخر زرده رو به جای قرمز بخر
What did you do with your old car? I still have it.	با ماشین قدیمیت چکار کردی؟ هنوزم دارمش
How old are you?	چند سالته؟
I'm eighty years old. I'm old.	من هشتاد سالم من مسنم
What's Mina doing? I saw her last week.	مینا داره چکار میکنه؟ هفته گذشته دیدمش
She was not very happy. She wasn't very happy.	خیلی خوشحال نبود خیلی خوشحال نبود
Why? Because she's moving to Vancouver.	چرا؟ چون داره به ونکوور نقل مکان میکنه
She's working for a great company.	
The name of the company The name of the company is Microsoft. The company's name is Microsoft.	اسم شرکت اسم شرکت مایکروسافته اسم شرکت مایکروسافته
Really? I used to work for them. But I wasn't happy with my job.	جداً؟ من قبلاً ها واسه اون کار میکردم ولی از کارم خوشحال نبودم

The name of the store	اسم مغازه
A cup of coffee	یه فنجان قهوه
The color of my car	رنگ ماشینم
The people of the city	مردم شهر
I like the color of your car.	از رنگ ماشینت خوشم میاد

Drawer
 Drink
 Dress
 Drawer
 Bottom
 It's in the bottom drawer.
 Was
 What?
 Wife
 White
 Was
 I was in Iran last year.
 That
 Company

The city of Tehran	شهر تهران
What do you need?	چی احتیاج داری؟
I need a plate.	یه بشقاب لازم دارم
The plates are in the top drawer.	بشقاب ها تو کشو بالایی اند
But the spoons are in the bottom drawer.	ولی قاشق ها تو کشو پایینی اند
I didn't see my wallet yesterday.	دیروز کیف پولمو ندیدم
It wasn't in the drawer.	توی کشو نبود
I have to go now.	من باید الان برم
Okay. Take care.	اوکی. مراقب باش